

تحلیل و بررسی برجسته ترین جلوه های قرآنی در اشعار محمد مهدی جواهری و قیصر امین پور

کبری بارانی^۱، اسماعیل اسلامی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کهنوج، کهنوج، ایران (نویسنده مسئول).

^۲ استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کهنوج، کهنوج، ایران.

چکیده

قرآن کریم کتاب دینی ماست، معانی و مفاهیم آن در طول چهارده قرن از جهات مختلف در حیات فردی و اجتماعی ما تاثیر پنهان و آشکار نهاده است. از سوی دیگر، شعر آیینه ای است که می توان افکار، احساسات، بینش ها و اعتقادات شاعر را در آن به نظاره نشست براین اساس، کاملاً طبیعی است که افکار مذهبی و باورهای دینی و گرایش های ایمانی شاعر در شعرش جلوه نماید و به همین دلیل است که در شعر شاعران مسلمان، مسائل مذهبی به وفور یافت می شود؛ و از آنجا که سرچشمه ی مذهبی مسلمین، قرآن کریم است، پس عجب نخواهد بود که جلوه هایی از این کتاب آسمانی را در اشعار شاعران مسلمان، پرتو افشانی نماید. پژوهش حاضر، تلاشی است در جهت واکاوی انواع جلوه های قرآنی در شعر دو شاعر معاصر مسلمان، محمد مهدی جواهری و قیصر امین پور و اثرپذیریشان از قرآن کریم که به شیوه ی مستقیم و غیر مستقیم از این کتاب آسمانی بهره برده اند.

واژه های کلیدی: قرآن کریم، شعر، محمد مهدی جواهری، قیصر امین پور، اثر پذیری مستقیم و غیر مستقیم.

مقدمه

پس از نزول قرآن، عرصه ادب و متون نظم و نثر به شدت و سرعت فراوان، به طور کلی منقلب شد؛ ارزشهای پست جاهلی جای خود را به ارزش های والای انسانی، قرآن، سنت نبوی و فرهنگ اسلام داد؛ و آیه های قرآن در همه ی عرصه ی زندگی مردم تجلی یافت و در گفتمان رسمی و روزمره و در بیداری شب ها و عرصه های مختلف زندگی، ورد زبان خاص و عام شد. در دوران های بعد نیز شاعران و کاتبان در پیشاپیش این تطور حرکت کرده و با استفاده از اسالیب تضمین، اقتباس و دیگر اصول بلاغی، اشعار و نوشته های خود را به عرصه ظهور رسانیدند (نصیری، ۱۳۹۰).

با توجه به اینکه ادبیات وبه ویژه اشعار ملی و مذهبی از بزرگترین سرمایه ی ملت هاست و در قیاس با دیگر هنرها دارای تاثیرپذیری و تاثیرگذاری بیشتری است پژوهش حاضر درصدد است تا با تحلیل اشعار محمد مهدی جواهری و قیصر امین پور، مصادیق آنها را در آیات قرآن ارائه نموده و با تطبیق آن اشعار به رابطه ی آنان با قرآن و بیان مشابیهت ها و افتراق ها بپردازیم. ضمن اینکه ایشان توانسته اند به عنوان شاعران معاصر مسلمان، متعهد، مسؤول، معتقد به توحید و نبوت، معاد، ولایت امیر المؤمنان (ع) و فرزندان او و با تأسی از قرآن کریم، اشعار خود را در جهت اهداف تربیتی خویش سمت و سو دهند. محمد مهدی جواهری و قیصر امین پور هر دو بانگرشی به شیوه عرفا و استفاده از مضامین قرآنی، زوایای درونی ذهن و چشم اندازهای بیرونی جهان را در اشعار خود، به خوبی به تصویر کشیده اند و در بستر آموزه های اسلامی به شعر وادب روی آورده اند که تاثیر پذیری از قرآن در اشعار ایشان نیز به گونه ای زیبا و خلاقانه جلوه گری می کند که این خصیصه از ویژگی های برجسته ی اشعار آنان می باشد. هدف از این پژوهش شناخت و تبیین جایگاه قرآن کریم و تاثیر آن بر شعر و شاعران معاصر بالاخص محمد مهدی جواهری و قیصر امین پور می باشد.

ضرورت و اهمیت پژوهش:

تعیین و حد و مرز ارتباط میان قرآن کریم و ادبیات، تنها با بررسی پیوند شاعران و ادباء با مفاهیم قرآن ممکن است در این راستا قرآن کریم به عنوان اثری الهام بخش برای آثار ادبی در طول قرن ها نقش بسیار مؤثری ایفا نموده است (نصیری، ۱۳۹۰). بررسی و تحقیق پیرامون میزان و چگونگی تاثیر پذیری شاعران از قرآن کریم ایجاب می کند که نگارش هایی در زمینه بررسی تاثیرات قرآن بر شعر شاعران صورت پذیرد؛ بنابراین ضرورت انجام این تحقیق در برجسته سازی کم و کیف تاثیر پذیری و الهام جواهری و امین پور از قرآن بسیار مؤثر است؛ و اینکه تاثیر قرآن کریم بر اشعار محمد مهدی جواهری و قیصر امین پور تاچه اندازه بوده است.

پیشینه تحقیق:

با بررسی و مراجعه به سایت کتابخانه ملی و پایگاه اینترنتی معتبر تاکنون هیچ گونه پژوهشی با عنوان ((تحلیل و بررسی برجسته ترین جلوه های قرآنی در اشعار محمد مهدی جواهری و قیصر امین پور)) کار نشده است؛ اما پژوهش های متعددی در زمینه تاثیر قرآن بر اشعار شاعران معاصر عرب و ایران انجام شده، از جمله: سید احمد ذبیحی، ۱۳۸۹، تاثیر قرآن کریم بر ادبیات منظوم معاصر فارسی، به راهنمایی نعمت الله ایران زاده و مشاوره عباسعلی وفایی و محمود بشیری، پایان نامه دکتری تخصصی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی. مقاله ی علی منتظمی و مهدی خرمی، «تأثیر الفاظ و مضامین قرآن بر شعر عربی معاصر»، ۱۳۸۳، مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد (دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، دوره ۳۷، شماره ۳ (پی در پی ۱۴۶ پاییز، ۱۷۹-۲۰۱). مقاله ی قاسم مختاری و سجّاد عربی، ۱۳۹۱، «بینامتنی قرآنی در شعر بدر شاکر سیاب»، فصلنامه ادب عربی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران)، دوره ۴، شماره ۴، زمستان، ۱۶۹-۱۹۶. مقاله ی رضا کیانی و همکاران، ۱۳۹۲، «جلوه های بینامتنی قرآن کریم در شعر قیصر امین پور»، فصلنامه پژوهش های ادبی-قرآنی، سال اول، شماره ۲، تابستان، ۱-۱۸. مقاله ی مجتبی شاهسونی و حسین میرزایی نیا، ۱۳۹۳،

«جلوه‌های قرآن کریم در اشعار محمدمهدی جواهری»، اولین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، زیر نظر مرکز راهبری مهندسی فرهنگی شورای فرهنگ عمومی استان بوشهر، ۲۱ خرداد، قم.

مختصری از تاریخچه زندگی دوشاعر

محمد مهدی جواهری:

برای تولد وی تاریخ‌های متفاوتی ذکر شده است، اما به نظر می‌رسد صحیح‌ترین تاریخ ۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۱۷ باشد. وی در خاندانی اهل علم در نجف به دنیا آمد. پدرش، عبدالحسین از نوادگان شیخ محمد حسن نجفی بود. محمد مهدی (م ۱۳۱۷ ق/۱۸۹۹) معروف به جواهری است او در خانه‌ای عالم و ادیب پرور چشم به جهان گشود.

پدر وی شیخ عبدالحسین نجفی، عالم جلیل‌القدر شیعه و صاحب کتاب ارزشمند جواهر الکلام می‌باشد و مادر وی فرزند محمد حسن کاشف‌الغطا، از علمای بزرگ نجف بوده است. (امینی، ج ۱، ۱۹۹۲، م، چ ۲، نجف، ص ۳۷۳) وی حافظه‌ای اعجاب‌انگیز داشت به شکلی که در هشت سالگی هرروز یک خطبه از نهج‌البلاغه، قطعه‌ای از آمالی شریف مرتضی، قصیده‌ای از دیوان متنبی و قطعه‌ای از البیان والتبیین جاحظ را از بر می‌کرد و چنان که خود گفته، به جهت قدرت حافظه‌اش مورد غبطه و حسادت قرار می‌گرفت. جواهری شاعری شیعه مذهب است و انتساب وی به مرحوم محمد حسن نجفی، صاحب جواهر الکلام و عالم شیعی آن زمان خود حاکی براین مدعا است. با وجود این وی در اواخر عمر متمایل به اندیشه‌های کمونیست می‌گردد و این امر در اشعار و نوشته‌های او هویدا است. یحیی جبوری از دوستان و نزدیکان جواهری معتقد است که جواهری در سال (۱۹۲۷ م) تابعیت عراقی را پذیرفته در حالی که قبل از آن تابعیت و هویت ایرانی داشته است. (جبوری، بی‌تا، ص ۱۱) البته جواهری قبل از هرگونه اظهار نظر از جانب دیگران، خود را صاحب نژادی اصیل معرفی می‌کند. وی در بخشی از دیوان "هلموا و انظروا" می‌گوید:

عریق لیس بالمجهول اصلا ولا ینمی لباء هجان

(جواهری، ۱۹۷۲، ج ۲، ص ۲۲۰)

جواهری در این قصیده ضمن نکوهش حاکمان ظالم عراق به توصیف خویش پرداخته و خود را از نژادی اصیل دانسته و احتمال هرگونه انتساب به اجداد فرومایه و پست را منتفی نموده است. او در طول عمر نود چند ساله خویش حوادث مهمی را پشت سر گذاشته است. او انسانی است با روح سرکش و ناآرام، مردی است باصراحت کلام. زبان برنده جواهری و عدم سازگاری وی با سران حکومت از مهمترین عوامل بی‌ثباتی وی در پست‌های مختلف بوده است. او به بزرگان شعر اقتدا کرد و بسیاری از اشعار آنان را مطالعه نمود، به میراث کهن و ناب شعر عربی و پارسی روی آورد، او در عربی از گنجینه‌های شاعرانی چون متنبی، ابوتمام، بحتری، عشق ورزیده و در حافظه‌ی خود مفاهیم و مضامین شعری آنها را جای می‌دهد. (الجبوری، بی‌تا، ص ۲۵) جواهری در کنار کسانی چون معروف رصافی، محمد صافی نجفی، محمد رضا شبیبی، جمیل صدقی زهاوی در عراق و شوقی از مصر در زمره‌ی شعرای نئوکلاسیک به شمار می‌آید. شخصیت جواهری را (مجمع‌الاضداد) لقب داده‌اند، زیرا او قدیم و جدید، گذشته و معاصر، طمع و مناعت طبع، جاه‌طلبی و مبارزه و تسلیم‌نشدن و انقلاب را باهم جمع کرده است (جبران، ۲۰۰۳، ۶۳). وی جزء نخستین روزنامه‌نگاران عراقی است که سال‌های طولانی از حیاتش را در تبعید به سر برده و به بیشتر کشورهای مشرق‌زمین از جمله ایران و کشور های اروپایی سفر کرده و با ادیبانشان آشنا است وی در سال ۱۹۹۷ م در سن ۹۸ سالگی در دمشق در گذشت.

تاثیرپذیری از فرهنگ قرآن کریم و نهج البلاغه و نیز پرورش یافتن در شهر نجف که فرهنگ شیعه در آن تداوم دارد، از جواهری شاعری یگانه و ممتاز ساخته است. کتب منتشرشده جواهری: از ۱۳۰۱ شمسی/۱۹۲۲ که جواهری اولین دفتر شعر خود را در بغداد منتشر کرد، چاپ های متعددی از دفاتر شعری ودیوان وی به جهان عرب معرفی شده است، اما کامل ترین آنها را وزارت فرهنگ عراق در هفت جلد، از ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۰، منتشر کرده است.

در ۱۹۸۹ برگزیده ای از اشعار عمر بن ابی ربیع، شاعر مشهور عرب، و در ۱۹۹۱ منتخبی از اشعار عرب از دوره ی جاهلی تا دوره اموی را در دو جلد باعنوان الجمهرة در دمشق منتشر کرد. در ۱۳۷۸ شمسی/۱۹۹۹، دو جلد خاطرات وی، با عنوان مذكراتی، در بیروت به چاپ رسید. این کتاب علاوه بر اینکه بهترین مأخذ برای شناخت جواهری است، مروری است بر حوادث و تحولات سیاسی اجتماعی حدود یک قرن عراق و جهان عرب.

قیصر امین پور:

قیصر در اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۸ هـ ش در بخش «گتوند» از توابع شهرستان «دزفول» متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در زادگاهش «گتوند» و «دزفول» به پایان رساند و سپس برای ادامه تحصیل به تهران آمد و تحصیلات دانشگاهی خود را تا مرحله دکترا، در رشته ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران ادامه داد. (ابراهیم سلیم، ۲۰۰۹ م: ۳). قیصر فعالیت های هنری خود را در حوزه ی اندیشه و هنر اسلامی از سال ۱۳۵۸ هـ ش آغاز کرد و در سال ۱۳۶۷ هـ ش سردبیر «مجله ی سروش» نوجوان شد و از همین سال به بعد در دانشگاه الزهراء و دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. قیصر در سال ۱۳۸۲ هـ ش نیز به عنوان عضو فرهنگستان ادب و زبان فارسی انتخاب شد. وی سرانجام در آبان ماه سال ۱۳۸۶ هـ ش بر اثر عارضه ی قلبی در گذشت (همان: ۴). در مورد ارزش شعر قیصر، همین بس که ناقد برجسته ی معاصر، دکتر شفیعی کدکنی می گوید: «قیصر همین جایی که هستی، باش که شعر همین است که تو می گویی» (کدکنی، ۱۳۸۱ هـ ش: ۷۳).

قیصر امین پور آثار ارزشمند زیادی دارد و نیز دارای چندین دیوان است که عبارتند از:

- ۱- تنفس صبح
- ۲- در کوچه ی آفتاب
- ۳- ظهر روز دهم
- ۴- آینه های ناگهان
- ۵- گل ها همه آفتابگردانند
- ۶- مثل چشمه، مثل رود
- ۷- به قول پرستو
- ۸- دستور زبان عشق.

امین پور شاعری مذهبی، انقلابی و وطنی است. او شاعر جنگ و دفاع نیز هست و به وطن خود عشق می ورزد او جنگ را درک کرده و از حوادث گوشه و کنار آن آگاه است؛ قیصر اندیشه ی خویش را شعار گونه و کلیشه ای به رخ نمی کشد، او باتسلط و آگاهی بر جریان ها و حوادث کهن و معاصر و آشنایی عمیق به کتاب بی همتای خداوند اعتقادات و اندیشه های مذهبی خویش را به کمک آیات و شواهد این کتاب آسمانی، چنان در تار و پود شعرش می گنجاند که هرگز تصنعی و خسته کننده به نظر نمی رسد. شعر قیصر در عین اعتقادی بودن، بسیار شیوا و رساست و در حد شعار باقی نمی ماند؛ به نوعی دیگر، شعر او آینه ی اعتقادات و اندیشه های مذهبی اوست؛ اما هیچ گاه در حد شعار یا شعرهای تعلیمی ضعیف نیست. امین پور خیلی خوب می داند که به چه نحوی از آرایه ها و صنایع ادبی بهره مند شود تا اینکه شعرش در وهله ی نخست «شعر» (در معنای ناب آن)

باشد و در درجه ی بعد با الگو پذیری از کلام خالق خود، بار پیامهای اخلاقی و مذهبی را حمل کند. قیصر در اشعارش بسیار بی تکلف با قضا یا برخورد کرده و تلاش نموده تا آنجایی که می تواند، پیش فرض های سیاسی را بر کلام خویش تحمیل نکند. (کاظمی، ۱۳۸۱ هـ ش: ۸). در شعر های نو، امین پور را با نگاهی به شدت شاعرانه می بینیم که چشمش به روی هرچه می لغزد، آن را به شعری تازه و جذاب بدل می کند. (همان: ۱۰-۹). قیصر برای انتقال مفاهیم انسانی، قومی، اخلاقی و وطنی، از منابع الهامی بالاخص قرآن کریم بهره ی فراوانی برده است. هوشیاری و دقت نظر امین پور از او شاعری مضمون یاب و نکته پرداز ساخته است شعر برای قیصر هم یک هنر است و هم ابزاری برای بیان افکار و اندیشه های شاعرانه اش. پرورش یافتن قیصر در یک خانواده ی مذهبی و عشق وصف ناپذیر وی به کتاب عظیم الهی، موجب شده که خوانندگان شعرش، تاثیر کلام دلنشین الهی را بر شعر و سخن وی احساس نمایند. او به خوبی به بن مایه های فرهنگ مردمی و دردهای آنان نفوذ کرده است و با تاثیر پذیری از مضامین خاص قرآنی، علاوه بر اینکه به شعر خویش صبغه ای قرآنی بخشیده، با طرح آرزوها ورنج های مردم، به شعرش رویکردی مردم گرایانه داده است.

مفهوم بینامتنی

بینامتنی یا میان متنی، از رابطه ای سخن می گوید که میان متنی با متن یا متن های دیگر وجود دارد. یقیناً چنین رابطه ای در چگونگی فهم متن دیگر موثر و کارساز است. بینامتنی به تاثیر گذاری ها می پردازد و نظریه پردازان آن بر این اعتقاد هستند که هر متنی حاصل جذب و تغییر شکل متنی دیگر است.

امروزه اصطلاح بینامتنیت اصطلاحی رایج در نظریه های ادبی و زبانشناسی می باشد. این اصطلاح برای نخستین بار در اواخر دهه شصت، در آثار ((ژولیا کریستوا)) در بررسی اندیشه های ((میخائیل باختین)) به ویژه در بحث «تخیل گفت وگویی» او مطرح شد. بنابر اعتقاد باختین هر سخن باسخن های پیشین که موضوع مشترکی داشته باشد و با سخن های آینده که به یک معنا پیشگویی و واکنش به آنهاست، گفت وگو می کند، آوای متن در این همسرایی معنا می یابد (احمدی، ۱۳۷۸: ۹۳) بینامتنیت^۱ ابتدا از نشانه شناسی "سوسور" مایه گرفت.

«از دیدگاه سوسور نشانه ی زبانی، ترکیبی از دال و مدلول است. او معتقد بود نشانه زبانی، تنها واسطه تقابل با دیگر نشانه ها در چارچوب نظام زبان معنا می یابد» (رضایی دشت ارژنه، ۱۳۸۷: ۳۴) نظام ادبی نیز نظام نشانه ها و آواهاست. ((گراهام آلن)) در این باره چنین می گوید: ((اثر ادبی به عنوان عرصه واژه ها و جملاتی که در محاق توانش های متعدد معنایی قرار گرفته است، اکنون تنها به شیوه مقایسه ای قابل فهم بوده و خواننده از ساختار ظاهری اثر به جانب روابط موجود آن اثر با دیگر آثار و دیگر ساختارهای زبانشناسانه حرکت می کند)). (آلن، ۱۳۸۰: ۲۰). آخرین اندیشمند برجسته ای که با پیوند نظریات «باختین» و «سوسور» اصطلاح بینامتنیت را به کار برد، "ژولیا کریستوا" بود که هرچند گاه به جای بینامتنیت «جایگشت» را استعمال کرد وی در این باره می گوید: اصطلاح بینامتنیت به طور خاص گذر از یک نظام نشانه به نظام نشانه ای دیگر را ممکن می سازد؛ بنابراین، جابه جا سازی نه تنها به معنای جابه جایی از نظام نوشتاری به نظام نوشتاری دیگر است، بلکه مفهوم جابه جایی از نظام های غیر ادبی و غیرزبانی به نظام ادبی را شامل می شود (مقدادی، ۱۳۷۸: ۱۱۳). این نظریه بر ضرورت وجود روابط میان متون مختلف تاکید دارد و وجود این رابطه ها را سبب معنا دار بودن یک متن می داند (ر.ک: مکاریک، ۱۳۸۵: ۷۲). براین اساس بینامتنیت جایگاهی است از تلاقی متن های بی شمار دیگر، حتی متن هایی که در آینده نوشته خواهند شد. (داد، ۱۳۸۷: ۴۲۴). بنابر نظریه ای که ژولیا کریستوا و رولان بارت در درباره ی بینامتنی ارائه می دهند، ((هر متن ادبی، تنها باتوجه به متونی قابل درک است که قبل از آن وجود داشته و برآن تأثیر گذاشته اند)) بنابراین، به مدد بینامتنی، می توان ارتباط موجود میان گفته های گوناگون ادبی را آشکار ساخت، زیرا هیچ گفته ای نمی تواند بی ارتباط با

^۱ intertextuality

گفته های دیگر باشد. بینامتنیت که معادل آن در عربی، تناس است، نوعی نگرش به متن است که باعث معنا دهی جدید به یک متن می شود. بینامتنی یا تناس قرآنی در اشعار شاعران مختلف، می توان از طریق اقتباس، تضمین، تلمیح و... در تار و پود متن شعری به گونه ای تنیده شود که یک متن یک دست و منسجم پدید آورد که تفکیک متن غایب (=قرآن) از متن حاضر (=شعر) بسیار سخت قابل شناسایی باشد. (زعبی، ۱۹۸۹ م: ۵۸-۵۶).

باتوجه به مباحثی که آورده شد این گونه استنباط می شود که بینامتنیت دارای سه رکن اساسی است: متن حاضر یا متن موجود، متن غایب و روابط بینامتنی میان این دو متن.

تاثیر پذیری جواهری و امین پور از قرآن کریم

تاثیر پذیری شاعران مسلمان از آموزه های دینی و به ویژه قرآن مسئله ای غیرقابل انکار است بنابراین طبیعی است که شاعران معاصر از جمله محمد مهدی جواهری و قیصر امین پور از این سرچشمه عظیم معرفت سیراب شده و به فراخور توان خود از آن بهره مند شوند. در بررسی اشعار جواهری و امین پور روشن است که مصادر بینامتنی در اشعارشان متنوع است در این پژوهش به چند مورد از مهمترین مصادر بینامتنی اشاره می کنیم؛ بنابراین بینامتنی قرآنی در اشعار جواهری و امین پور از جایگاه ویژه ای برخوردار است و به اشکال مختلف تجلی یافته است که عبارتند از:

الهام از مفردات و ترکیبات قرآنی:

صبر

صبرا وإن ملت الأسیاف أغمده إن الامین علی العقبی لصبار

(دیوان الجواهری، ج ۴/۲۶۷)

ترجمه: صبر پیشه کنید حتی اگر غلاف شمشیر، شمشیر را خسته و ملول کند همانا عاقبت معتقدان به قیامت، خوب است اگر صبر پیشه کنند.

رفتار کعبه های روان / برشانه های صبر تماشایی است

(امین پور، ۱۳۷۲: ۱۱۰)

در آیات بسیاری در قرآن به مفهوم صبر اشاره شده است. از جمله آیه ۳۵ سوره احقاف، آیه ۴۳ سوره شوری، آیه ۵ سوره المعارج، آیه ۱۵۳ سوره بقره و بسیاری از آیات دیگر.

الهام از مضامین و اندیشه های قرآنی:

آفرینش

نحن من نطفه سوی نطف الناس وطین من غیر ذاک الطین

(دیوان الجواهری، ج ۵/۱۹۱)

ترجمه: ما از نطفه ای غیر از نطفه مردم واز گلی غیر از گل آنها هستیم.

هل کنت إلا طینه عفنت إن لم تمسک من لظى، النار

(دیوان جواهری، ج ۳/۳۰۵)

ترجمه: آیا جزء این نیست که از گلی بد بو بوجود آمده ای اگر حرارت وشعله آتش نبود گل تو پخته نبود.

این بیت به تاثیر از آیه ۶۷ سوره غافر و ۱۴ سوره الرحمن سروده شده که به آفرینش و خلقت انسان اشاره دارد.

ماجرای خلقت جهان نیز از زوایای مختلف، دغدغه ذهن خلاق امین پور بوده است؛ به عنوان مثال، شاعر با استناد به آیه ۳۰ سوره ی انبیاء تعبیری شاعرانه از مراتب خلقت به دست می دهد:

خدا ابتدا آب را / سپس زندگی را بر آب آفرید / جهان نقش بر آب / و آن آب برباد

(گلها همه آفتابگردانند: ۷۳)

در ابیاتی دیگر به مسأله آفرینش زمین و آسمان اشاره می کند. شگفتی های موجود در طبیعت و سرزمین های پر از اسرار و آسمان هایی سرشار از رموز، شاعر را بر آن می دارد که زبان به تحسین از آنها بگشاید و با تاثیر از آیه ی ۱۹۰ سوره ی آل عمران زمین و آسمان ها را نشانه هایی از قدرت خداوند متعال معرفی می کند و با تاثیر از آیه ی ۱۰ سوره ی لقمان آسمان ها را به عنوان ستون های بی ستون که خداوند ستون آنهاست؛ توصیف نماید:

ای عشق بنیاد زمین و آسمان آیه توست بنیاد ستون بی ستون پایه توست

چون رهگذری خسته که می آساید آسایش آفتاب در سایه توست

(در کوچه آفتاب: ۱۵)

جواهری بیشتر به آفرینش انسان اشاره کرده اما قیصر علاوه بر آفرینش انسان، به آفرینش آب، کوه، زمین و آسمان و دیگر شگفتی های طبیعت نیز اشاره داشته است.

مرگ

حتى إذا ما اجل دنا و حان الموعد

لم ینجه من الردی حدیده الموطد

هیئات یغنی عن قضاء، زبر مصفد

من بعد ما قد أبرم الامر، قدیراً و حاد

(دیوان الجواهری، ج ۱ / ص ۹۵)

ترجمه: زمانی که اجل انسان نزدیک شود و موعد آن فرا رسد، آهن و حصار محکم او (سپر او) هرگز نتوانست او را از مرگ نجات دهد و هرگز تمامی کتب آسمانی و خوانده شده هم نمی تواند او را از تمام شدن (مرگ) بی نیاز نماید، مادامی که خداوند قادر یگانه، مرگ را برای انسان مبرم و مسلم ساخته است.

جواهری در این ابیات به مرگ اشاره می کند و تاکید می کند که هرگز از مرگ گریزی نیست و روزی می رسد که انسان مرگ را ملاقات می کند. این قطعه برگرفته از آیه ۳۴ سوره اعراف می باشد.

أتتها فلم تمنع رداها حصونها و لیس عن الموت المحتم، دافع

(دیوان جواهری، ج ۱ / ص ۱۰۴)

ترجمه: پس آمد و هیچ نتوانست با شوکت و درایتش (با تمام قدرتش) مرگ را از او دفع کند و هیچ چیز نمی تواند باز دارنده از مرگ حتمی باشد.

برداشت قیصر از مرگ و چگونگی دست یافتن آن بر انسان نیز همانند جواهری به تاثیر از آیه ی ۷۸ سوره ی نساء: ((اینما تکنوا یدرکم الموت ولو کنتم فی بروج مشیده...)) اینگونه به سرایش در آمده است:

ما / در تمام عمر تورا در نمی یابیم / اما / تو / ناگهان / همه را در می یابی

(مجموعه کامل اشعار: ۱۵۰)

شاعر با تغییرات نسبتاً جزئی در ساختار و محتوای آیه ۵ سوره ی جمعه چنین می سراید:

خروار / خروار / خواندیم / بار گران اسفار / بر پشت ما قطار قطار آوار / اما تمام عمر / در انتظار یک دم عیسی وار / ماندیم

(مجموعه کامل اشعار: ۱۵۳)

علم خدا به اعمال انسان

وظنوا بأن الله والشعب غافل وهیهات لا هذا ولا ذاك یغفل

(دیوان الجواهری، ج ۶۱/۲)

ترجمه: گمان کردند که خداوند و ملت از این امر غافل اند، حال آنکه این گونه نبوده و هیچ یک از این دو، غافل از این موضوع نیستند.

این بیت برگرفته از آیات ۱۳۲ سوره انعام، ۸۵ سوره بقره و ۴۲ سوره ابراهیم می باشد.

امین پور نیز با تاثیر از آیات ۶۱ سوره یونس و ۱۰۵ سوره توبه اینگونه سروده است:

بعد از آن تنها خدا می دید (امین پور، ۱۳۸۷: ۳۱)

همچنین علم بی حصر خداوند هستی به تمام اموری که در پیرامون حیات ما وجود دارد و آگاهی والای او به هر آنچه که قرار است، اتفاق بیفتد، شاعر را بر آن می دارد که به تاثیر از آیه ی ۱۱ سوره ی شوری خداوند متعال را بالاتر از وصف و تشبیه معرفی کند:

توشعر نگفته مرا می دانی وز برگ سفید دفترم می خوانی

آخر به چه مانی که بگویم آنی؟ تو همچو خودی، تو خویش را مانی

(در کوچه آفتاب: ۱۱)

قیامت و شهادت

مناظر قیامت از جمله مناظری است که با تصاویر طبیعی قرآن ارتباط دارد؛ جواهری در وصف اساری آلمان در صحرای شمال آفریقا در جنگ جهانی دوم می گوید:

ومن یبصر الاسری یقادون هطعا یجد حادیا یحدو الی سقر رکبا

(جواهری، ۱۹۷۲، ص ۲۳۸)

که این بیت را به تاثیر از آیه ی ۴۲ سوره ابراهیم سروده است.

مهمترین اساس عالم غیب، ایمان به روز قیامت است، خداوند، ایمان به روز جزا را با ایمان به خدا مقرون نموده، می فرماید: ((لیس البرتولوا و جوهکم قبل المشرق و المغرب ولكن البر من آمن بالله و الیوم الاخر و الملائکه و الكتاب والنبيين ...)) نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و یا مغرب بگردانید بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز باز پسین و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورد. علاوه بر این قرآن در موارد بسیاری از روز جزا یاد می کند و برای آن اسامی متعددی نظیر؛ یوم البعث، یوم القیامه، الساعه، یوم الدین، حساب، جمع، تغابن، طامه، قارعه، آزه، حشرنباء العظیم یاد می کند.

در همین راستا محمد مهدی جواهری، ماجرای شهادت مجاهدان به خون خفته قیام ملی سال ۱۹۴۸ بغداد را آن چنان خدا پسندانه به تصویر می کشد که غرفه های بهشتی از خون آن شهدا معطر گردیده و نشو و نمائی یافته:

غرف الجنان تزوعت جنباتها بصدید هاتیک الجراح لواها
ادیت قسطک من جهادک وافیا وقضیت ثقل مغارم و دیون
ومضیت لم تعلق بعرضک و صمه بجوار ربک بین حور عین

(جواهری، ۱۹۷۲، ص ۱۵۳)

این ثواب و مقام والایی که ممدوح شاعر بدست آورده تنها از راه جهاد و زندگی بی آرایش بدست آمده است.

نگاه سرد و بی رغبت قیصر به تجملات تصنعی دنیا ناشی از فکر باز و دید عمیق و دور اندیشانه ی وی به دنیایی است که در فرا روی اوست. شاعر با یادآوری حوادثی که در قیامت در انتظار انسان است و با تاثیر از آیه ی ۱۰ سوره قیامت خود را در عرصه ی محشر به پرنده ای تشبیه می کند که در شبی ظلمانی و ابری سرگردان پر و بال می زند و نمی داند به کجا بگریزد:

در واقعه ای چنان کجا بگریزم زان مآمن بی امان کجا بگریزم
چونانکه پرنده در شب غرش ابر در پهنه ی آسمان کجا بگریزم

(در کوچه آفتاب: ۳۰)

شهادت و شهادت طلبی نیز همانند شعر جواهری یکی از مضامین بارز شعر قیصر امین پور است که به بخشی از عالی ترین مفاهیم شعر او روحی سرخ و مقدس بخشیده است. شاعر با تاثیر پذیری از آیه ی ۱۶۹ سوره آل عمران: شهیدان را نه مردگان، بلکه زندگانی می داند که روزی خوار خوان گسترده ی پروردگارتند:

کس راز حیات اونداند گفتن بایست زبان به کام خود بنهفتن

هر چند میان خون خود خفت ولی سوگند، که خون او نخواهد خفتن

(مجموعه کامل اشعار: ۴۲)

شهیدان در شعر امین پور با نیروی اراده ای که همواره در قلب بیدارشان می تپد، به خون سرخ خویش رنگی دیگر می بخشند.

الهام از شخصیت های قرآنی:

حضرت آدم (ع)

أعدك علم، أننى من معاشر أبوهم جنى وأختار أدنى المسالك

هم إلى شر المهالك، آدم فهم أبرياء حملوا وزر هالك

(دیوان جواهری، ج ۱۱۹/۱)

ترجمه: هیچ میدانی که من از گروهی هستم که پدرانش جنایت کرده و پست ترین مسلک ها را انتخاب کردند. آدم آنها را به پست ترین مهالک انداخت، پس آنان بی گناهند و گناه هلاکت شده دیگری را به دوش می کشند.

این ابیات بر گرفته شده از داستان حضرت آدم که خداوند از آدم (ع) خواست که به آن درخت نزدیک نشوند، ولی شیطان باعث لغزش او شد و به این خاطر آنان از بهشت رانده شدند. جواهری در این ابیات از آیه ۳۶-۳۵ سوره بقره تأثیر پذیرفته است.

شاعر در این ابیات متذکر شده که اگر از انسان خطایی سرزند، در واقع او بی گناه است، او گناه لغزش آدم (ع) را به دوش می کشد که این عقیده جواهری پوچ است و بی اساس. چرا که دارای عصمت بوده و خطای او ترک اولی بوده نه گناه. گناه و خطای هر کس به عهده خود اوست و اختیار داشتن انسان دلیل بطلان این ادعاست.

داستان حضرت آدم (ع) و ماجرای هبوط او نیز از جمله تلمیحاتی است که در اشعار قیصر امین پور به آن اشاره فراوان شده است. بهره گیری قیصر از این داستان در قالب اندیشه و تفکر روزمره شخصی، به آن جلوه و تصویری تازه و متفاوت بخشیده است. شاعر با اشاره به چگونگی راه یافتن ناگهانی عشق در دل خویش از طریق دیده و نگاه و لغزش دل و سختی ها و مرارت هایی که در این وادی بر او رفته است، سرنوشت تلخ خویشتن را باطرد شدن حضرت آدم (ع) و سرنوشت او پیوند می زند:

سر به زیر وساکت وبی دست وپا می رفت دل یک نظر روی تورا دید وحواسش پرت شد

بر زمین افتاد چون اشکی زچشم آسمان ناگهان این اتفاق افتاد: زوجی فرد شد!

بعد هم تبعید وزندان ابد شد در کویر عین مجنون از پی لیلی بیابانگرد شد

کودک دل شیطنت کرده است یک دم در ازل تا ابد از دامن پر مهر مادر طرد شد

(دستور زبان عشق: ۵۰)

شاعر در این سروده، به تأثیر از آیه ۳۵ سوره بقره، با بیان ماجرای طرد شدن آدم و حوا از بهشت و فریفته شدن آن دو توسط شیطان و خوردن از میوه ممنوعه و در نتیجه رانده شدن از درگاه خدا، به سرنوشت انسان امروزی به عنوان فرزندان و بازماندگان آدم و حوا اشاره می کند و از انسان ها به عنوان تبعید شدگان در کویر دنیا و نیز کودکان بازیگوشی که از دامن پر مهر مادر، محروم گشته اند، نام می برد.

وطمع میوه ممنوع / که تا تنفس سنگ / ادامه خواهد داشت (امین پور، ۱۳۷۲: ۶۷)

نه گندم ونه سیب / آدم فریب نام تورا خورد (امین پور، ۱۳۷۲: ۴۱)

پسینگاه جمعه؛ / همان لحظه های هبوط / همان وقت میلاد آدم! (امین پور، ۱۳۸۶: ۷۵).

من از عهد آدم تو را دوست دارم / از آغاز عالم تو را دوست دارم (امین پور، ۱۳۸۶: ۷۹)

در ادامه شاعر، با تلمیح به داستان حضرت آدم (ع) و مقایسه سرنوشت انسان معاصر با وی، دلیل نه یک لحظه غفلت، بلکه «دانایی» می داند؛ گویی شاعر معتقد است دانایی همواره سبب حرمان انسان می شود:

کاش از روز ازل هیچ نمی دانستم که هبوط ابدم از پی دانستن بود

(دیوان گلها همه آفتابگردانند: ۱۳۷)

هابیل و قابیل

از جمله مشاهیر قرآن و از جمله مشاهیر اعماق تاریخ بشر، دوفرزند حضرت آدم، هابیل و قابیل اند، دو شخصیتی که از اولین روزهای خلقت انسان با دو عنوان دو نماد متضاد قرار گرفته اند، هابیل به عنوان مظهر صلح و مهربانی و رمز خوف از خداوند و قابیل به عنوان نمادخون ریزی و عداوت.

این دو نام در هرکجا که ذکر شوند به عنوان دو نشان حق و باطل به شمار می روند و یا رمز ظالم و مظلوم شناخته می شود جواهری اخلاق این دو برادر را چون ارثی می داند که از زمان حضرت آدم و حوا تا امروز از نسلی به نسلی منتقل شده و به عنوان یک ذات در وجود انسان ها مقدر گردیده است و برخی صفت هابیل و برخی صفت قابیل را اتخاذ نموده اند:

صبغان یاتلقلن ماعصف الدجی بالناس لون سنا ولون دماء

من عهد قابیل وکل ضحیه رمز اصطراع الحق والاهواء

ومراره الکثل المقدس ارثه من آدم جاءت ومن حواء

(جواهری، ۱۹۷۲، ص ۱۷۵)

این بیت شاعر به میادین معرکه حق و باطل است که جبهه حق برای تقویت خود قربانی دادند؛ مانند یحیی، به داررفتن عیسی، عقر ناقه صالح و...

قیصر نیز در شعر خود اینگونه می سراید: از بی شمار نام شهیدانت / هابیل را که نام نخستین بود / دیگر / این روزها به یاد نمی آوری / هابیل / نام دیگر من بود

(امین پور، ۱۳۷۲: ۴۲-۴۱)

شاعر هابیل را اولین شهید معرفی می کند.

در قرآن، نیز در آیات ۲۷ و ۲۸ سوره مائده نیز به این حادثه اشاره دارد.

((واتل علیهم نبا ابنی اءادم بالحق اذ قربا قربانا فتقبل من احدهما ولم يتقبل من الاخر قال لاقتلک قال انما يتقبل الله من المتقين / لئن بسطت الی یدک لتقتلنی ما انا بباسط یدی الیک لاقتلک انی اخاف الله رب العالمین))

ترجمه: و داستان دو پسر آدم (هابیل و قابیل) را به حق و درستی بر آنها بخوان، آن گاه که آن دو کار تقرب آوری انجام دادند، پس از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. (قابیل)

گفت: حتما تو را خواهم کشت. (هابیل) گفت: جز این نیست که خدا از پرهیزگاران می پذیرد. البته اگر تو دستت را به سوی من دراز کنی که مرا بکشی، من هرگز دستم را به سوی تو دراز نمی کنم که تو را بکشم، همانا من از خداوند، پروردگار جهانیان می ترسم.

حضرت موسی (ع)

شخصیت حضرت موسی (ع) در داستان های قرآنی بیش از هر شخصیتی مورد توجه قرار گرفته است این داستان بیش از ۳۰ بار در قرآن تکرار شده و در هربار به جنبه ای از مصعبی که موسی در دوران زندگی و رسالت خود با آن گرفتار بوده مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله صحنه های مربوط به موسی (ع) صحنه ای است که عصای وی به مار تبدیل می شود و مارهای جادوگرانی را که فرعون جمع آوری نموده می بلعد، این مضمون این آیات در شعر جواهری در تمجید از طه حسین این گونه ذکر شده است:

ابا الفکر تستوحی من العقل فذه وذا الادب الغض اشتریت به الطبعاً

ویا سحر موسی ان فی کل بقعه لما تجتلی من آیه حیه تسعی

(جواهری، ۱۹۷۲، ص ۲۱۱)

تشبیه بیان طه حسین و سحر بلاغت اوبه معجزه موسی (ع) بر این دارد که طه حسین از یک ویژگی رمزی خارق العاده ای برخوردار شده که در این موهبت خدادادی شبیه و نظیری برایش پیدا نمی شود.

قیصر نیز در قصیده تجسم که به یاد آیت الله طالقانی سروده، ارزش هایی چون شهادت، شهامت، طهارت و تواضع مورد ستایش قرار گرفته است و شاعر در پایان با تلمیح به یکی از معجزات حضرت موسی (ع) به تاثیر آیه ۲۲ سوره طه چنین می سراید:

از چشم هر شهید / یک قطره اشک شوق بگیرد / فواره ای ز نور بکارید / قلبی از آینه، دلی از دریا / وگردنی بلند / از آبشار پاک تواضع / از آستین روشن موسی / دستی به رسم وام بگیرد

(مجموعه کامل اشعار: ۳۷۸)

قومی از زخم و خون نسل در نسل / از تبار جنون پشت در پشت / سوزشان آتش طور موسی / داغشان مهر محراب زرتشت

(امین پور، ۱۳۷۲: ۱۵۴)

این شعر به ماجرای آتش طور اشاره دارد. (سوره قصص / آیه ۲۹)

در نمونه دیگری از این شاعر به معجزه ید بیضاء اشاره شده است.

از چشم هر شهید / یک قطره اشک شوق بگیرد / یک قطره اشتیاق زیارت / فواره ای ز نور بکارید / قلبی از آینه، دلی از دریا / وگردنی بلند / از آبشار پاک تواضع / یا از غرور محض بسازید / از آستین روشن موسی / دستی به رسم وام بگیرد (امین پور، ۱۳۸۹: ۳۷۸) که از آیه ۲۲ سوره طه اقتباس شده است.

رب لصهیون عجل صبغ من ذهب ورب موسی کالواح له رمم

(دیوان جواهری، ج ۵/۲۵۵)

ترجمه: پروردگارا! صهیونیستی را گوساله ای از طلا را می پرستند و قوم موسی تابلوهای پوسیده را.

جواهری این بیت را از آیه ۱۴۸/ سوره اعراف الهام گرفته است.

الا قبسا من شعاع الکلیم تعید علی الشرق یا ((طور سینا))

(دیوان الجواهری، ج ۱/۲۳۵)

ترجمه: مگر قمتی از نور حضرت موسی که بر شرق یا بر طور سینا برگردد.

مصرع اول این بیت برگرفته از آیات ۹-۷/ سوره نحل می باشد.

یوسف (ع)

شخصیت حضرت یوسف (ع) نیز از دیگر شخصیت های قرآنی است که نزد شاعران معاصر از جمله جواهری از امتیازات و موقعیت های ممتازی برخوردار است. جواهری تفسیر رویای یوسف (ع) در خصوص هفت سال قحطی و خشکسالی مردم مصر نیز از دیگر رموزی است که ایشان در قصیده ای که به مناسبت ورود فیصل بن عبدالعزیز آل سعود به کشور عراق و ستایش او سروده است.

وقی الله الحجاز وما یلیه بفضل ابیک من غصص الهوان

ومتع ذلک الشعب الموقی بسبع سنین شیقه سمان

علی حین اصطلی جیران نجد بجمر لظی وسم الافعوان

(جواهری، ۱۹۷۲، ص ۱۵۳)

گاه داستان های مألوف قرآنی را در شعر قیصر امین پور به شیوه ای متفاوت از دیگر شاعران باز خوانی می کنیم، و این خاصیت ذهن خلاق و نوآور شاعر است. از داستان های قرآنی، ظاهراً داستان یوسف (ع) بیش از سایر داستان ها برای امین پور الهام بخش بوده است، زیرا بسامد تلمیح به این داستان در اشعار وی نسبت به سایر داستان ها بیشتر است. شعر «روایت رویا» قیصر در واقع باز خوانی داستان زندگی حضرت یوسف (ع) در این داستان، به حوادث ناگوار زندگی روزمره گریز می زند و به انتقاد از کسانی می پردازد که با تنگ نظری به زندگی دیگران، حسادت می ورزند:

فرزندم / رویای روشنت را / دیگر برای هیچ کسی باز گو مکن! / حتی برادران عزیزت / می ترسم / شاید دوباره دست بیندازد / خواب تو را / در چاه

(دیوان دستور زبان عشق: ۱۲)

این ابیات اشاره به آیه ۵/ سوره یوسف دارد.

نتیجه

- میراث دینی از مهم ترین مایه های ساخت شعر و از پر بارترین منابع الهام گیری شاعران در جهت بازگویی احساسات درونی و اندیشه های ایشان محسوب می گردد. در این بین قرآن کریم به دلیل عمق معانی، غنای واژگان، از ارزشمندترین منبع دینی الهام بخش نزد شاعران و نویسندگان مسلمان قرار دارد.

- جواهری و امین پور سخت با قرآن مأنوس بوده اند و موج مفاهیم اسلامی به ویژه جلوه گری آیات و مفاهیم قرآن کریم در اشعار جواهری و امین پور مشهود است.

-جواهری و امین‌پور در اشعار خود از به قرآن به صورت الهام از مفردات و ترکیبات قرآنی، مضامین و اندیشه‌های قرآنی، شخصیت‌ها و حوادث قرآنی بهره برده‌اند. خصوصاً الهام از شخصیت‌ها و حوادث قرآنی که کاملاً آشکار است؛ اما بسامد استفاده از مفردات و ترکیبات قرآنی بیشتر است.

-هر دو شاعر برجسته معاصر در مضامین اعتقادی‌شان به خدا به عنوان مبدأ هستی، مرگ و روز قیامت بیشتر تحت تأثیر قرآن بوده‌اند.

-اقتباس از داستان‌ها، تصاویر و مفاهیم قرآن همه نشانگر توجه ایشان به قرآن به عنوان یک عنصر اساسی در زندگی است.

- این دو شاعر برجسته معاصر سخت با قرآن مانوس بوده و در بسیاری از ابیاتشان از این کتاب الهی به اشکال مختلف بلاغی (تلمیح، ایهام و ...) و معنوی بهره برده‌اند.

-جواهری و امین‌پور در شیوه و نحوه به کارگیری آیات قرآنی در اشعارشان اشتراک دارند و وجه افتراق آنان در میزان و بسامد استفاده از آیات الهی است.

-آیات قرآن در اشعار جواهری به وضوح جلوه‌گری می‌کند؛ ولی در اشعار امین‌پور بیشتر در قالب مضامین و مفاهیم نهفته شده است. بسامد اقتباسات جواهری از آیات قرآن فراوان‌تر از قیصر امین‌پور است.

-با توجه به این که ارزش هر متن یا گفتمان تنها در ارتباط گفتمان‌های دیگر شناخته می‌شود؛ بنابراین با اندکی تأمل و تعمق در آثار جواهری و امین‌پور به نظر می‌رسد که بسیاری از مضامین و الفاظ را از قرآن کریم الهام گرفته و به رشته نظم درآورده‌اند؛ بنابراین ارتباط بسیار تنگاتنگی بین قرآن و اشعار جواهری و امین‌پور وجود دارد و بینامتنی در اکثر موارد آگاهانه و با کمترین تحویل در معانی و الفاظ صورت گرفته است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابراهیم سلیم، فکری. (۲۰۰۹ م). فن الرباعی عند القیصر امین‌پور. الطبعة الاولى، قاهره، مصر.
۳. امین‌پور، قیصر. (۱۳۶۳)، در کوچه آفتاب، چاپ چهارم، حوزه هنری، تهران، ایران.
۴. امین‌پور، قیصر. (۱۳۷۰)، بی بال پریدن، افق، تهران، ایران.
۵. امین‌پور، قیصر. (۱۳۷۵)، به قول پرستو، چاپ اول، زلال، تهران، ایران.
۶. امین‌پور، قیصر. (۱۳۸۵)، آینه‌های ناگهان. چاپ دهم، افق، تهران، ایران.
۷. امین‌پور، قیصر. (۱۳۸۵)، گلها همه آفتابگردانند، چاپ ششم، مروارید، تهران، ایران.
۸. امین‌پور، قیصر. (۱۳۸۶)، دستور زبان عشق، چاپ، مروارید، تهران، ایران.
۹. امین‌پور، قیصر. (۱۳۸۷)، ظهر روز دهم، چاپ سوم، سروش، تهران، ایران.
۱۰. امین‌پور، قیصر. (۱۳۸۹)، مجموعه کامل اشعار قیصر، چاپ چهارم، مروارید، تهران، ایران.
۱۱. امینی، محمد هادی، معجم رجال الفكر والادب فی نجف خلال الف عام، ج ۱، چ ۲، نجف ۱۹۹۲ م.
۱۲. انوشه، حسن. (۱۳۷۶)، فرهنگنامه ادب فارسی. جلد دوم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ایران.
۱۳. آلن، گراهام (۱۳۸۰) بینامتنیت، ترجمه: پیام یزدان جو، تهران: نشر مرکز.
۱۴. جبران، سلیمان، ۲۰۰۳ م. مجمع الاضداد فی سیره الجواهری وشعره، بیروت: انتشارات دارصادر، چاپ اول.
۱۵. جبوری، یحیی جواهری و نقد جوهرته: نظرات فی شعر و حیاته دراسه ونصوص، بیروت، عالم الکتب.

۱۶. الجواهری، محمد مهدی. (۱۹۷۲ م). الجواهری فی العیون من اشعاره. الطبعة الاولى، دار طلاس، دمشق، سوریه.
۱۷. حلبی، علی اصغر. (۱۳۷۴). تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی. چاپ سوم، انتشارات اساطیر، تهران، ایران.
۱۸. داد، سیما (۱۳۸۷) فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ چهارم، تهران: مروارید.
۱۹. زعبی، أحد (۱۹۸۹) التناص نظریاً و تطبیقاً، عمان، الأردن، مؤسسه عمریه، ط ۲.
۲۰. شاهسونی مجتبی و میرزایی نیا حسین، ۱۳۹۳، «جلوه‌های قرآن کریم در اشعار محمد مهدی جواهری»، اولین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، زیر نظر مرکز راهبری مهندسی فرهنگی شورای فرهنگ عمومی استان بوشهر، ۲۱ خرداد، قم.
۲۱. شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۸۱). نقد ادبی. چاپ پنجم، نشر ققنوس، تهران، ایران.
۲۲. قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، چاپ یازدهم، تهران، ایران.
۲۳. کاظمی، محمد کاظم (۱۳۸۱) پرنده در پنجره (شعر و شاعری قیصر)، مجله شعر، شماره ۳۰.
۲۴. کیانی رضا ۱۳۹۲، «جلوه‌های بینامتنی قرآن کریم در شعر قیصر امین‌پور»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال اول، شماره ۲، تابستان، ۱-۱۸.
۲۵. مختاری، قاسم و ماسری فراهانی، سمیه. (۱۳۹۳ ه ش) بینامتنیت قرآنی در شعر ایلیا ابوماضی؛ دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، دانشگاه لرستان سال اول، شماره ۱، بهار و تابستان.
۲۶. مقدادی، بهرام (۱۳۸۷) فرهنگ واصطلاحات نقد ادبی: از افلاطون تا عصر حاضر، چاپ اول، تهران: فکر روز.
۲۷. مکاریک، ایرناریما (۱۳۸۵) دانشنامه نظریه‌های ادبی، ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی، چاپ سوم، تهران: آگه.
۲۸. نصیری، جنت. (۱۳۹۰). تحلیل روابط بینامتنی قرآنی در شعر محمد مهدی جواهری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه لرستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی: ۲۸۰ صفحه.

Analysis and Investigation of the most Prominent Quranic Manifestations in the Poems of Mohammad Mehdi Javaheri and Qeisar Aminpour

Kobra Barani¹, Esmail Eslami²

1 Master Student, Arabic Language and Literature, Islamic Azad University, Kahnouj Branch, Kahnouj, Iran (Corresponding Author).

2 Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Islamic Azad University, Kahnouj Branch, Kahnouj, Iran.

Abstract

The Holy Qur'an is our religious book and its meanings and concepts have had overt and covert effects on different aspects of our individual and social lives for fourteen centuries. On the other hand, poetry is a mirror that can reflect the poet's thoughts, feelings, insights, and beliefs. Therefore, it is entirely natural that poets' religious thoughts and beliefs are manifested in their poetry, and this is why religious issues are abundantly found in the poetry of Muslim poets. Since the religious source of Muslims is the Holy Qur'an, it would not be unlikely that some aspects of this book are manifested in the poems of Muslim poets. The present study is an attempt to analyze a variety of Quranic manifestations in the poetry of two contemporary Muslim poems, Mohammad Mehdi Javaheri and Vahid Aminpour, and their direct and indirect influence from the Holy Qur'an.

Keywords: the Holy Qur'an, poetry, Mohammad Mehdi Javaheri, Qeisar Aminpour, direct and indirect influence
